

در سالروز تولد انگلس

شباهنگ راد

در سده‌ی ۱۹ یعنی در ۲۸ نوامبر ۱۸۲۰، انگلس یکی از یاران کارل مارکس و فیلسوف برجسته در شهر بارمن آلمان بدنیا آمد. پدرش تمایل داشت تا فرزندش «فریدریش انگلس» به علم تجارت پردازد و به همین دلیل وی را به انگلستان می‌فرستد؛ جاییکه یکی از پیشرفته‌ترین کشورهای صنعتی بحساب آمده و همچنین خاستگاه اصلی طبقه‌ی جدید یعنی کارگران صنعتی محسوب می‌شد. انگلس به خواست ابتدائی پدر تن در می‌دهد و همین امر بنوبه‌ی خود



زمینه‌ای می‌گردد تا به ریشه‌های درد و هزاران مصائب و مشکلات حاکم بر زندگی کارگران و زحمت‌کشان پی ببرد. مطالعه و شرکت در جلسات متفاوت، روز به روز افکار او را سمت‌وسو می‌دهد و به بیانی، دوران جوانی انگلس، دوران طغیان، شورش و کسب آگاهی علیه‌ی مناسبات استثمارگراییانه و سرمایه بود.

انگلس در سال ۱۸۴۱ به جناح چپ پیروان هگل می‌پیوندد و دو سال بعد اولین اثر انتقادی خود را علیه‌ی ایده‌های غیر دیالکتیکی و محافظه‌کارانه‌ی «شلینگ»، به رشته‌ی تحریر در می‌آورد.

پایه‌های دوستی انگلس با مارکس بعد از عزیمت‌اش از انگلستان در سال ۱۸۴۴ و آنهم در پاریس ریخته می‌شود و وی نخستین کسی بود که اعتقاد داشت: «کارگران صنعتی تنها یک طبقه زحمت‌کش نیستند بلکه طبقه‌ای هستند که در راه رهائی خود و زحمت‌کشان دیگر پیکار می‌کنند». از این زمان به بعد انگلس در ارتباطی تنگاتنگ با مارکس قرار گرفته و طی سال‌های ۱۸۴۴ - ۱۸۴۶ مشترکاً به انتشار کتاب‌های «خانواده مقدس» و «ایدئولوژی آلمانی» مبادرت می‌ورزند. این دو کمونیست از خود آثار گرانبھائی بر جای گذاشتند که مهمترین آنها «مانیفست» و «سرمایه» می‌باشد. انگلس و مارکس در برنامه‌ی حزب کمونیست با روش و با قلمی رسا و آنهم به شیوه‌ی دیالکتیکی ماهیت طبقات میرنده و چگونگی دستیابی طبقه‌ی بالنده به قدرت و به تبع از آن جایگزینی مناسبات نوین فارغ از استثمار را بر شمردند و با صراحت تمام اعلام نمودند که: «کمونیست‌ها عار دارند که مقاصد و نظریات خویش را پنهان سازند. آنها آشکارا اعلام می‌کنند که تنها از طریق واژگون ساختن همه نظام اجتماعی موجود، از راه جبر، وصول به هدف‌های‌شان میسر است. بگذار طبقات حاکمه در مقابل انقلاب کمونیستی بر خود بلرزند. پرولتاریا در این میان چیزی جز زنجیر خود را از دست نمی‌دهند؛ ولی جهانی را بدست خواهند آورد. کارگران جهان متحد شوید!»

آنان در این اثر ارزشمند به اثبات رساندند که تنها با انقلاب کمونیستی است که طبقه‌ی پرولتاریا قادر خواهد گردید تا از مناسبات استثمارگراییانه خلاصی یابد و پرچم جامعه‌ای عاری از فقر و تنگدستی را برای خود و همه‌ی ستم‌دیدگان برافرازد. بدین سان بود که پایه‌های تئوریک - سیاسی کمونیست‌های سراسر جهان تدوین می‌گردد و

بعنوان متد و راه و رسم میلیون‌ها کمونیست قرار می‌گیرد؛ متد و ایده‌ای که انقلاباتی همچون انقلاب روسیه، چین، ویتنام و دیگر انقلابات رهاییبخش از آن تغذیه گردیدند و در عمل حقانیت خود را در مقابل ایدئولوژی سراسر فاسد و گندیده‌ی نظام‌های سرمایه‌داری بنمایش گذاشت.

در حقیقت افکار انگلس با مارکس در هم آمیخته شد و همچنین وی در دوران فعالیت خود نقش بسزائی در مبارزات عملی زحمت‌کشان ایفاء نمود. وقایع و شکست انقلاب ۱۸۴۸ - ۱۸۴۹ باعث ترک انگلس از آلمان می‌گردد. "جنگ دهقانی در آلمان" و "انقلاب و ضد انقلاب در آلمان" از زمره تجارب و آثار گرانبهائی است که انگلس آنها را برشته‌ی تحریر در آورد و در آنها بر نقش دهقانان بعنوان هم‌رزم و هم‌سنگر کارگران تاکید می‌ورزد.

انتشار جلد دوّم و سوّم کتاب ارزشمند "سرمایه" از جمله فعالیت‌های تئوریک انگلس علیه‌ی نظام‌های سرمایه‌داری و استثمارگر می‌باشد. در حقیقت بیش از یک قرن است که از فعالیت و انتشار آثار مارکس و انگلس می‌گذرد؛ اگر چه دنیا در این مدت دست‌خوش تغییرات گوناگون و آنهم در عرصه‌های متفاوت گردیده است، اما به جرأت و با صراحت تمام می‌توان اعلام نمود که نگاه و توضیح آنان پیرامون کارکرد حاکمان، تعیین روش‌های مبارزاتی بمنظور برون رفت از وضعیت ظالمانانه، بر شماری مکانیزم‌ها و شالوده‌های سرمایه و همچنین نقش و وظایف کمونیست‌ها و جهان‌بینی طبقه‌ی کارگر و همه و همه بقوت خود باقی است و همچنان دارد بعنوان تفکر راهنمای کمونیست‌های سرتاسر جهان نقش بس‌عظیمی ایفاء می‌نماید.

۲۸ نوامبر ۲۰۰۸

۸ آذر ۱۳۸۷